

## تحلیل یک متل؛ ماه بلند آسمون

سهراب مظاهری<sup>۱</sup>

### چکیده

مقاله حاضر برداشت و تحلیلی از متل منظوم «ماه بلند آسمون» است؛ در این تحلیل، در گفتگویی کودکانه، دو شخصیت استعاری «من» و «تو» در کالبد عناصر طبیعت قرار می‌گیرند تا تکمیل‌کننده یکدیگر باشند و در نهایت به حضور «ما» تبدیل شوند.

با ارائه نمونه‌ای بازآفرینی شده و ادبی از یک متل ساده، قابلیت‌های پنهان و ژرف‌ساخت‌های نهفته در آن بازیابی می‌شود و این کار خلّاقه، با نگاهی نوین به قالب‌های کهنه ادب شفاهی این سرزمین انجام گیرد.

از این متل در قالب‌های نمایش رادیویی، تئاتر و تله‌تئاتر کودک و نوجوان، انیمیشن، مستند و نیز کتاب تحلیلی مصوّر می‌توان در امر برنامه‌سازی رادیویی و تلویزیونی بهره گرفت.

**کلیدواژه‌ها:** متل، تو که ماه بلند آسمونی، خاستگاه متل، تحلیل متل، ارائه

متل

---

۱. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی و پژوهشگر بازنشسته مرکز تحقیقات صداوسیما

**متل؛ منظومی مهمل یا قصه‌ای حکمت‌آموز**

گروهی بر این عقیده‌اند که متل‌ها، به دلیل بیان عامیانه، ساختار کلمات و عبارات، فقدان مفاهیم قابل اعتنا و صرف خاصیت سرگرم‌کنندگی، از رهگذر جهل گذشته‌اند و فاقد پشتوانه‌ای اندیشمندانه‌اند. اما برخی دیگر به لحاظ ویژگی‌ها و اصول ادبی و دستوری، هیچ تعریفی برای متل‌ها مترتب ندانسته‌اند و آنها را بی‌معنا تصور کرده‌اند؛ گروهی نیز متل‌ها را صرفاً زمزمه‌هایی سرگرم‌کننده و درخور کودکان تعریف کرده‌اند. اما برخی پژوهشگران از منظر تخصصی «فرهنگ عامه‌شناسی» متل‌ها را حامل معنا، پیام و تأثیر و مانند سایر عناصر فولکلوریک، در نضج‌گیری و معارفه بنیادهای هویت بومی، تأثیرگذار قلمداد کرده‌اند و برای آنها جایگاهی ارزشمند به لحاظ تأمل، تفسیر، تأویل و حتی بازآفرینی آثار نوین قایل شده‌اند.

با قاطعیت می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین دلایل عزتمندی این ترانه‌ها از آن روست که بر زبان کودکان جاری می‌شوند، چه آنکه معصومیت و صداقت و پاکیزگی در سراسر آنها موج می‌زند و این خود بر ضرورت بازشناسی و بازفهمی متل‌ها می‌افزاید.

بنابراین نمی‌توان پذیرفت زمزمه‌های جاری بر زبان کودکان که یکی از ارکان ادبیات شفاهی محسوب می‌شود، فاقد پشتوانه‌های مفهومی و ارزشی است و فراتر از صورت ظاهر و خاصیت سرگرم‌کنندگی و فرح‌بخشی، حامل معانی دیگری نیست؛ زیرا در این صورت فرایند تحولات الکترونیک و دنیای نوین سرگرمی‌ها بنیان این ترانه‌ها را زایل می‌کرد؛ درحالی که چنین نیست و هنوز این متل‌ها و ترانه‌های عامیانه و لطیف، بویژه در جوامع سیار عشایری و یکجانشینان روستایی ایران و دیگر کشورهای فارسی‌زبان به حیات خود ادامه می‌دهند.

تحلیل یک مثل: ماه بلند آسمون ❖ ۱۳۹

امروزه هم، مثل‌ها و زمزمه‌های کودکانه می‌توانند دستمایه پرداخت‌های نوین انتقال پیام قرار گیرند. استدلال محکم برای چنین توصیه‌ای آن است که مثل‌ها انطباق و هماهنگی شگفتی با مفاهیم طبیعت و جهان دارند و انسان‌ها در گذر زمان و نسل‌های پی‌درپی به دلیل مأنوس بودن با طبیعت، در ساخت و پرداخت و تداوم آنها نیرومند و موثر بوده‌اند.



تحلیلی بر مثل «ماه بلند آسمون»

تو که ماه بلند آسمونی  
 منم ستاره می‌شم دورت می‌گیرم  
 تو که ستاره شدی دورمو گرفتی  
 منم ابر می‌شم روتو می‌گیرم  
 تو که ابر شدی رومو گرفتی  
 منم بارون می‌شم چیک‌چیک می‌بارم  
 تو که بارون شدی چیک‌چیک باریدی  
 منم سبزه می‌شم سر درمی‌آرم

۱۴۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

تو که سبزه شدی سر درآوردی

منم گل می شم و پهلوت می شینم

متل مشهور «ماه بلند آسمون» ترانه دلنوازی است که به وضوح، تعامل و تأثیرگذاری متقابل عناصر طبیعت را بر یکدیگر نشان می دهد. این متل منظوم گفتگویی میان دو شخصیت استعاری «من» و «تو» است که انسان‌ها با رویکردی صمیمانه می توانند برای بیان متن زندگی اجتماعی، خود را در آینه آن ببینند و با همذات‌پنداری، خویشتن را یکی از دو شخصیت تصور کنند تا در نهایت با هموعان خود و با جهان پیرامون‌شان به وحدت و هماوایی برسند.

به طور قطع این ترانه لطیف، اثبات‌گر نیاز متقابل انسان‌هاست؛ نیازی محرز از حیات اجتماعی زیرا نشان می دهد که انسان متعهد و هدفدار، اگر بر فراز (آسمان، ماه، ستاره) می رود یا به فرود (خاک، سبزه، گل) می آید، در چرخه شگفت طبیعت و در وسعت هستی، حیاتش منوط به حیات دیگری و وجود و شادابی‌اش رهین دوست داشتن و همراهی اوست. او درمی یابد که آرامشش در کنار دیگری و علائق و دل‌بستگی‌هایش تکامل‌بخش اوست؛ همچنان که اعتلاش نیز در گرو هماوایی و همسازی با هموعان دیگر قرار دارد.

در این متل، شرایط همزیستی، ادله با هم بودن، عشق ورزیدن، محبت‌ها و همراهی‌ها در قالب گفتگوهای ساده و کودکانه تکرار می شود و سرانجام به نیاز واقعی و آرمانی انسان‌ها یعنی شادابی و امیدواری منتهی می گردد.

تنها وصال، نهایت قصه و روال دراماتیک این متل نیست بلکه «ضرورت با هم زیستن» در تمامی بندهای ابیات، لحظات و گفتگوهای آن احساس می شود؛ گویی هرگز بین «من و تو» نباید جدایی بروز کند. کشاکش، گریز و دیدار، تصاویر سازگاری‌هایی است که نیاز مشترک هر دو را به تصویر می کشد

## تحلیل یک مثل؛ ماه بلند آسمون ❖ ۱۴۱

و در اوج زیبایی با به‌کارگیری تشبیهات، استعارات و کنایاتی که به حق منعکس‌کننده باور انسان‌های زیبااندیش است، ضرورت تفاهم، حضور در طبیعت و تداوم حیات را متجلی می‌سازد.

هر چند در عبارات این مثل، نوعی روابط غیرعقلایی و تأثیر و تأثرات تخیلی نیز وجود دارد که صورت ظاهری کلام و گفتگوهای طرفین را نوعی رویارویی و لجاجت متصور می‌سازد؛ با دقت بیشتر می‌توان در آنها، رابطه‌ای علی و برهانی واقعی و عقلی را مشاهده کرد و به روشنی، انتظام معقول بین علل متواتر در ابیات این مثل منظوم را نگریم. این امر از چنان روند و روالی بهره‌مند است که مخاطب، خود، مراحل بعدی و تغییر و تحولات آتی مثل را انتظار می‌کشد و شاید بتوان همین موافقت ذهنی مخاطب با روند تکمیلی داستان را دلیلی واقعی بر صراحت و ماندگاری این مثل به حساب آورد. که البته همین ویژگی، جزئی جدایی‌ناپذیر از ادبیات شفاهی به شمار می‌رود. از این روی، از همین پدیده‌های مورد اشاره در مثل، می‌توان ویژگی‌های بارز فرهنگی و باورهای ریشه‌دار و موحدانه اقوام را سراغ گرفت. این ترانه ساده و زیبای فولکلوریک همان گونه که برای کودکان در دوره‌های زمانی پیشین، روح‌بخش، شادی‌آفرین و سرگرم‌کننده بوده است، امروزه نیز می‌تواند با همان ویژگی‌های ارزشمند، متناسب با سن و سال کودکان، مورد بهره‌برداری قرار گیرد و این مهم با یاری گرفتن از رسانه‌های صوتی - تصویری نوین در قالب‌های مختلف امکان‌پذیر خواهد بود. به این ترتیب می‌توان معانی عمیق نهفته در مثل‌ها را بازخوانی و امکان پذیرش و تأثیرگذاری کامل‌تر آنها را فراهم کرد.

بی‌تردید امکان تهیه تصاویر واقعی از تمامی عناصر مطرح در مثل «ماه بلند آسمون» وجود دارد و حتی برداشت‌های متعدد و متفاوت از حالات متغیر و

## ۱۴۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

طبیعی عناصر ماه، ستاره، ابر، باران، سبزه و گلستان، با رنگ‌ها و چهره‌های گوناگون از شخصیت‌های «من» و «تو» میسر خواهد بود.

### خاستگاه متل «ماه بلند آسمون»

برای این ترانه قصه‌گونه، خاستگاه‌های متعددی را می‌توان سراغ گرفت؛ شناخت و قضاوت مقرون به واقع و سازگار با حقیقت مفهومی متل، ایجاب می‌کند که دلیل ظهور آن را در گستره ادبیات شفاهی ایران، تابع بازشناسی تاریخی و جامعه‌شناختی فرهنگ عامه بدانیم که از این معبر استدلال می‌شود اساساً متل‌ها در دنیای شادمانی و سرگرمی کودکان ظهور کرده‌اند، اما ثبات و پیگیری آنها به مدد بزرگسالان صورت گرفته است تا هم به تمایلات طبیعی کودکان بویژه نیاز آنها به سرگرمی و شادمانی به صورت واقعی پاسخ داده شود و هم پاسخ‌های مناسب برای دلمشغولی‌های ذهنی آنان فراهم آید. سؤالاتی چون: آسمان تا کجاست؟ ماه چیست؟ خورشید چگونه است؟ ابرها چگونه می‌آیند و کجا می‌روند؟ باران از کجا می‌آید؟ آب‌ها به کجا می‌روند؟ سبزه‌ها چه هستند؟ یا چرا سبزند؟ چرا در پاییز سبزه‌ها تمام می‌شوند؟ گل‌ها چگونه می‌آیند و چرا معطر هستند؟ این عناصر طبیعی چه پیوستگی و ارتباطی با هم دارند؟ و در نهایت، گرداننده این چرخ منظم کیست؟

در این میان متل «ماه بلند آسمون» یک ترانه ساده انفرادی، یک زمزمه تنهایی و یک مونولوگ محدود و فراموش‌شونده نبوده است زیرا خود بیانگر فعلیت یافتن رویایی جمعی است و به دلیل خصلت و کارکرد جمعی در گستره ادبیات شفاهی، تداوم یافته و ماندگار شده است چرا که مادران این سرزمین برای پاسخگویی به سؤالات و نیازهای ذهنی کودکان خود، این متل

## تحلیل یک مثل؛ ماه بلند آسمون ❖ ۱۴۳

منظوم را طراحی کرده‌اند و در داستانی دراماتیک و قالبی منظوم، آن را بر پیوستاری از ضمائر «من» و «تو» جان بخشیده‌اند.

در مثل «ماه بلند آسمون» نمادهای زمین و آسمان با یکدیگر نقش‌آفرینی می‌کنند و کودکان با سرایش آن، گستره حیات جمعی خود را بر پهنه طبیعت بازمی‌یابند و بازمی‌گویند چراکه انسان امروز نیز همانند گذشتگان چشم امید به آسمان دارد و در حالات معنوی نیایش خود هیئتی را به نمایش می‌گذارد که بیانگر احترام او به آسمان و زمین است؛ نگاه دستانش به آسمان است و چون بر زمین ایستاده، سپاسگزاری‌اش را با نهادن پیشانی بر خاک، بازگو می‌کند.

کودکان امروز نیز برای سازگاری خود با جهان، به همین سادگی و صداقت در بازی‌ها و سرگرمی‌ها نیاز دارند؛ سادگی‌هایی که با روح معنوی جهان و نیاز طبیعی و ذاتی آنان مطابق است.

بنابراین می‌توان گفت که هم‌نوایی با «ماه، ستاره، ابر، باران، سبزه و گل‌ها...» در مثل ماه بلند آسمون ریشه در قلب‌های پاک و دنیای کودکان آنان دارد.

### قالب‌های رسانه‌ای مثل «ماه بلند آسمون»

#### ۱. نمایش رادیویی

مبتنی بر جایگاه شخصیت‌های «من» و «تو» و مسیر جایگزینی نقش‌های این دو، هماوایی آنها در قالب نمایش رادیویی قابل انعکاس است؛ اما نیاز به نوعی از نمایشنامه‌های رادیویی است که ضمن حفظ ویژگی آهنگین گفتگوها، پیام وحدت‌گرایی و وحدت‌آفرینی انسان و جهان را به گونه‌ای بازتاب دهد که کودکان، اولیا و بزرگسالان، چرخه طبیعت و نگاه و نیاز و حضور انسان را در آن دریابند.

## ۱۴۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

از این مثل نمونه‌هایی در قالب پادکست و خوانش موزیکال اشعار، بدون ملاحظه ظرایف یاد شده، ارائه و اجرا شده است که فاقد بار معنایی بوده و تلاشی در راه افزایش شناخت کودکان به خرج نداده است.

### ۲. تئاتر کودک و نوجوان

تئاتر، اعم از تئاتر کلاسیک یا تله‌تئاتر می‌تواند قالبی مناسب برای ارائه مثل «ماه بلند آسمون» باشد چرا که این مثل در فضای باز و در جمع مردمی از جانب کودکان، خوانده و اجرا می‌شده است.

تأکید اصلی و مضاعف آن است که مثل باید بازنویسی شود و جمیع معانی مترتب بر عناصر مورد اشاره در گفت‌و شنود «من و تو» مورد تشریح قرار گیرند، به گونه‌ای که عظمت عناصری همچون آسمان، زمین، ماه، ابرها، باران، سبزه‌زار و گل‌ها، همراه با حالات و جایگاه ارزش‌هایشان، و تصاویری عینی و مطلوب تجلی یابند.

### ۳. قالب انیمیشن

بیان استعاری مثل ایجاب می‌کند که فیلمنامه ویژه انیمیشن برای «ماه بلند آسمون» نگاشته شود و شاخص‌های زیر در آن لحاظ گردد:  
الف) تمام عناصر مطرح شده در مثل، تا حد امکان مقرون به اشکال واقعی‌شان باشند و هیچ‌گونه تغییر فانتزی در آنها صورت نگیرد مگر آنکه فیلمنامه انیمیشن برای ماهیت و پیامی ویژه در قالب فانتزی تدوین شده باشد که در آن صورت، همه اجزاء، عناصر و پرسوناژها فانتزی خواهند بود و البته ممکن است قصه نیز به سرانجامی متفاوت منتهی شود.

ب: تأکید قالب انیمیشن برای «ماه بلند آسمون» صرفاً به منظور خلق جنبه‌ها و حالاتی است که در دنیای واقعی نمی‌توان به آنها پرداخت. در



#### تحلیل یک متل؛ ماه بلند آسمون ❖ ۱۴۵

بازآفرینی این متل، هدف آن است که چرخه طبیعت و جایگاه انسان در آن، درک و منعکس شود.

اینکه خواننده متل، هم‌نوع خود یعنی انسان دیگر را با بهره‌گیری از عناصر زیبای طبیعت توصیف می‌کند، بیانگر احترام به دیگری و مبین ارج نهادن به منزلت اوست.

#### ۴. قالب مستند

بسیاری از متل‌ها مانند برخی از سنت‌ها و مراسم ویژه اقوام در میان جوامع روستایی و عشایری کشور هنوز کارکردهای خود را از دست نداده‌اند؛ حتی می‌توان گفت که برخی نیز با تغییراتی مختصر، به انگیزه حفظ کیان قومی و خصلت‌های بومی مناطق، مورد محافظت خودجوش قرار گرفته‌اند و همین می‌تواند دستمایه ساخت برنامه‌های مستند قرار گیرد.

#### ۵. قالب مسابقه (حضوری - کلامی - نمایشی)

برای معرفی متل‌ها، ترانه‌ها، حکمت‌ها و تمامی عناصر ادبیات شفاهی فارسی، از جمله متل «ماه بلند آسمون»، از انواع مسابقه‌های رادیویی و تلویزیونی می‌توان استفاده کرد و از آنجا که وجه قیاس و تطبیق، زمینه بسیار مؤثری برای شناخت و تمیز عناصر در فرهنگ‌های مختلف است می‌توان با طراحی سؤالات ویژه فرهنگ مردم به معرفی این متل بومی پرداخت.

#### ۶. کتاب تحلیلی مصور

می‌توان روایت‌های مختلف متل «ماه بلند آسمون» را که در اقوام، مناطق و اقلیت‌های مذهبی این سرزمین وجود دارد، همراه با آوانگاری لهجه‌های گوناگون فارسی در مجموعه‌ای گرد آورد و به همراه نمونه‌های بازآفرینی شده از این متل ارائه کرد.

## ۱۴۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

در پایان، بخشی از نمونه بازآفرینی شده این متل که نگارنده در آن به زوایای ظریف ارتباط انسان و طبیعت توجه کرده است، به منظور اجراهای نوین از این ترانه فولکلوریک ارائه می‌شود.

### نمونه‌ای بازآفرینی شده از متل «ماه بلند آسمان»

آنچه در ادامه می‌آید، در حقیقت برداشتی آزاد و کوششی برای هر چه مفهوم‌تر و ملموس‌تر شدن سایر معانی نهفته در متل «ماه بلند آسمان» است که می‌تواند به عنوان زوایای ظریف و قابل‌اعتنای ارتباط انسان و طبیعت در انعکاس‌ها و اجراهای نوین این ترانه فولکلوریک ایرانی به کار گرفته شود:

تو که ماه بلند آسمونی،

منم ستاره می‌شم دورت می‌گردم...

بیان والایی انسان، فرازمندی «من» و فرازمندی مقام مرجح «تو» که همراه من، معاشر من و همزیست منی؛ تشریحی صادقانه از آنکه «تو» زیبایی و منزلت انسانی تو آن گونه است که گویی از بلندای آسمان می‌گذری، بر تارک سپهر می‌نشینی و زینده ستاره‌بارانی...

اکنون ممنوع تو، برای با تو بودن و همراه تو بودن، خود را چگونه اثبات کند؟ و چگونه لایق همجواری تو شود؟

تو که ستاره شدی دورمو گرفتی،

منم ابر می‌شم روتو می‌گیرم

اینک جایگزینی مطلوبی صورت گرفته است؛ نه به اثبات صرفاً من و تو، بلکه همه انسان‌ها را باید از چشم غیر، محفوظ خواست یعنی آنکه همه ستاره‌های طلوع کرده به قصد من، از آن من است و من ابر خواهم شد و تو را

## تحلیل یک متل؛ ماه بلند آسمون ❖ ۱۴۷

پنهان خواهیم کرد؛ این تعارض و ستیزه نیست که مراتب محض هماوایی است؛ هر دو به یک سو شدن است که تفاوت و ناسازگاری‌ها را می‌میراند.

**تو که ابرشدی رومو گرفتی،**

**منم بارون می‌شم چیک چیک می‌بارم**

و صدای باران صدای ماست، این وحدت ماست که تمنای زمین را لیبیک گفته است؛ اکنون من همه ابرم و تو همه باران.

اکنون ای ماه بلند آسمان، ستاره روشن، ابر بارور، بار که هم اکنون زلالی قطره‌هایت مبارک است.

ببار که زمین وسعت خویش را به استقبال آورده است.

و تو هنوز، متل پاک طبیعت خود را و ترانه صادقانه زندگی‌ات را

پی گرفته‌ای:

**تو که سبزه شدی سر درآوردی**

**منم گل می‌شم و پهلوت می‌شینم**

از آسمان بر زمین آمدن، جدایی است از نیستان ریشه‌ها، اما ما اکنون با هم فرود آمده‌ایم تو آمده‌ای که سبزه شوی تا من طراوت تو باشم، از صبر من و حوصله توست که سبزه‌زار ما پیدااست، این گونه همراهی بازخوانی مداوم وحدت است و جدایی نیست.

### جمع بندی

متل یکی از گونه‌های ادبی کودکانه است که به سبب بهره‌مندی از تکرار، کلمات منظوم ساده و ضرباهنگ فرح‌بخش، به لحاظ روحی متناسب سن و سال کودکان است. برخی از متل‌ها از جمله متل «ماه بلند آسمون» ساختار ساده‌ای دارند اما در لفافه و در لایه‌های زیرین آنها مباحثی حکمت‌آموز را

می توان سراغ گرفت. مثل ماه بلند آسمون بر گفتگو بنا شده است؛ طی گفت و شنودی که به ظاهر به لجاجت می انجامد، عناصر طبیعت از ماه، ستاره، آسمان، سبزه و ... در کالبد و شخصیت اصلی قصه فرو می روند و هر یک از دو شخصیت استعاری «من» و «تو» همدیگر را پوشش می دهند و تکمیل می کنند تا سرانجام به یک «ما»ی واحد تبدیل شوند.

